بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند تبریز به مناسبت سالروز ۱۸ تیر

آن‌کس نان تو را ربوده که آزادی را از تو دریغ داشته است

نخستین هدف جنبشی که انجمنهای اسلامی دانشجویان – به عنوان تنها تشکلهای دانشجویی قانونی و دموکراتیک موجود – پرچمدار آن هستند، برپایی یک رفراندوم آزاد بر سر قانون اساسی و تعیین نوع حکومت تحت نظارت سازمانهای بین‌المللی است. و این مهم جز با پیوند جنبش دانشجویی با جنبش‌های مردمی و حمایت توده‌های مردم از دانشجویان، محقق نخواهد گشت

به نام سعادت ملت ایران

شش سال به اصلاحات حکومتی دل خوش کردیم و هر روز علیرغم لگدمال‌شدن حقوق انسانی‌مان بنا به توصیه منادیان دروغین اصلاحات به خاطر مصالح نظام! دم بر نیاوردیم و به امیدی واهی آب در هاون کوبیدیم. دریغ و درد از بیست و دو میلیون رایی که ملت ایران به زباله‌دانی ریخت و تنها چهره بین‌المللی حکومت را به دروغ توجیه کرد. چه کودکانه و ابلهانه خاتمی را با مصدق کبیر مقایسه می‌کردیم! دیگر زمان گفتگو با حاکمان به سر آمده، با خاتمی نیز دیگر سخنی نداریم و اینک ملت رنج کشیده ایران را مورد خطاب قرار می‌دهیم:

هموطنان ارجمند، ملت ستمدیده ایران!

سالها مهر سکوت بر دهان‌زدن به سر آمده است. امروز هنگام آن فرا رسیده تا با همسنگرانمان در دانشگاه‌های سراسر کشور به افشای ماهیت واقعی استبداد بپردازیم. به افشای ضحاکانی بپردازیم که همواره بقای وجود ننگینشان را با آشامیدن خون رشیدترین فرزندان این مرز و بوم تضمین کرده‌اند. از اعدامهای گسترده دهه ۶۰ و فاجعه ملی قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ گرفته تا قتل نویسندگان و روشنفکران و فرهیختگان تحت عنوان قتلهای زنجیره‌ای و فاجعه هیجدهم تیر ماه ۷۸.

خرداد و تیر امسال نیز یک بار دیگر چهره حقیقی سفاکان و ذوب‌شدگان در جهالت آشکار شد. هنگامی که دیوصفتان خونخوار پاسخی به مطالبات بر حق دانشجویان نداشتند به فاشیستی‌ترین اهرم خود یعنی شعبان بی‌مخ‌ها و لباس شخصی‌هایی که به غلط نیروهای خودسر خوانده می‌شوند و مستقیما از سوی تاریکخانه اقتدارگرایان برای سرکوب جنبش آزادی‌خواهی ملت ایران بسیج شده‌اند روی آوردند.

بازداشت غیر قانونی دانشجویان و فعالین ملی – مذهبی برای گرفتن اعتراف از آنها در جهت تخریب دیگر فعالین سیاسی – علی‌الخصوص نمایندگان دانشجویی مجلس – نیز سناریویی در ادامه پروژه هویت و سپس قتل‌های سیاسی است که توسط بخش عملیاتی تاریکخانه با همراهی بخش مطبوعاتی و تلویزیونی آن انجام شده و می‌شود ولی سرانجام چنین اعمالی اظهرمن‌الشمس است زیرا که مدت‌هاست حنای این قماش نزد مردم بی‌رنگ شده است.

معلمان آگاه، کارگران فهیم! همرزمان!

انقلابی که قرار بود به حاکمیت طبقه محروم جامعه منتهی گردد، اینک به حاکمیت قداره‌بندان و راهزنان و غارتگران مال و جان مردم منجر شده است. یاوه‌هایی که سرکردگان ارتجاع در باره مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و انداختن بار مشکلات جامعه به دوش جناحی خاص بر زبان جاری می‌سازند جز دروغی بی‌شرمانه برای توجیه مشروعیت از دست‌رفته خود نیست. آن کسی نان تو را ربوده که آزادی را از تو دریغ کرده است. به راستی چگونه می‌توان در عین دفاع از استبداد مطلقه دیکتاتور، وعده توزیع یکسان ثروت در جامعه را داد؟!

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند ضمن حمایت از تمام دانشجویان متحصن در جای جای کشور نخستین خواسته خود را آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان حوادث اخیر (از جمله چهار دانشجوی دانشگاه صنعتی سهند که از ۲۶ خرداد تاکنون همچنان در انتظار حکم دادگاه انقلاب در زندان به سر می‌برند) اعلام می‌کند. گر چه می‌دانیم چنین‌در خواستی از قوه قضاییه‌ای که در بیدادگاه‌های آن بزرگترین جفاها بر واژه مقدس عدالت رفته، خواستی گزاف و بیهوده است.

حاکمان جمهوری اسلامی گمان میبرند که با دستگیری و زندان و شکنجه فعالین جنبش دانشجویی، دانشگاه خاموش می‌شود و جنبش دانشجویی از خواسته‌های بر حق خود دست می‌کشد. بر خلاف تصور آنها، اینگونه اقدامات، دانشجویان را در راه مقدسی که در پیش گرفته‌اند استوارتر و ثابت‌قدم‌تر خواهد کرد.

از دیدگاه ما جمهوری اسلامی دو راه بیشتر ندارد یا درپیش‌گرفتن استبداد محمدعلی‌شاهی و به توپ‌بستن مجلس و خفه‌کردن صدای همه مخالفان و منتقدان که نهایت این راه را صورتی جز نابودی و فروپاشی نمی‌توان بست. راه دیگر آن است که رهبران جمهوری اسلامی به خواست ملت تن داده و با برگزاری یک رفراندوم آزاد تحت نظارت سازمان ملل موافقت کنند که بر همگان مبرهن است که صلاح ملک و ملت از این راه می‌گذرد و برای حاکمان نیز آشتی با ملت بسیار ساده‌تر و شرافتمندانه‌تر از گدایی بر درخانه جرج بوش و حاکمان آمریکا خواهد بود.

و فراموش نکنیم که در آخرین ماههای رژیم پیشین، آزادیخواهان وقت طی نامه‌هایی به محمدرضا پهلوی وضعیت جامعه ایران را در آن مقطع تاریخی توضیح دادند و او را از ادامه جو ارعاب و سرکوب (به خاطر حفظ بقای حکومت خودش) بر حذر داشتند. اما هیچ کدام از این تذکرات و توضیحات مورد توجه محمدرضا قرار نگرفت و شاه سابق زمانی به خود آمد که کار از کار گذشته بود هم اکنون نیز که بسیاری از روشنفکران و صاحب‌نظران و رجال سیاسی از جمله ۱۳۵ نماینده مجلس این موارد را متذکر شده‌اند، جای آن دارد تا از سرنوشت شوم رژیم پهلوی درس عبرت گرفته شود.

هموطنان آزاده!

دانشجویان تا رسیدن به مطالبات بر حق خود پایداری خواهند کرد. اعتصاب غذای دانشجویان انجمنهای اسلامی چندین دانشگاه نویدبخش آغاز مرحله جدیدی است که با عزم راسخ دانشجویان سراسر کشور ادامه خواهد یافت. با رادیکالیزه‌شدن تاکتیک‌های مبارزه، فشار سرکوبگران نیز افزایش یافته و موج سرکوب جدیدی در دستور کار ارتجاع قرار خواهد گرفت. نخستین هدف جنبشی که انجمنهای اسلامی دانشجویان – به عنوان تنها تشکلهای دانشجویی قانونی و دموکراتیک موجود – پرچمدار آن هستند، برپایی یک رفراندوم آزاد بر سر قانون اساسی و تعیین نوع حکومت تحت نظارت سازمانهای بین‌المللی است. و این مهم جز با پیوند جنبش دانشجویی با جنبش‌های مردمی و حمایت توده‌های مردم از دانشجویان، محقق نخواهد گشت. دانشجویان انجمنهای اسلامی در سراسر کشور که در انتظار احکام سنگین بیدادگاه‌ها به سر می‌برند، دیده امیدشان تنها به حمایت شما ملت بزرگ ایران دوخته شده است.

هم‌میهنان گرامی!

اینک که میهن به یغما رفته‌مان در آستانه تحولی بزرگ قرار گرفته است، با هوشیاری تمام در سالروز ۱۸ تیر فریادهای خود را به گوش جهانیان برسانیم و به دفاع از دانشجویانی برخیزیم که به جرم دل در گروی عشق به میهن‌نهادن در سیاهچال‌های استبداد به سر می‌برند.

روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید
حالیا چشم جهانی نگران من و توست

شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند تبریز ۱۷ تیر ۱۳۸۲

اعلامیه گروهی از فعالین سیاسی دگراندیش در ایران

جبهه آزادی ایران

رژیم ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی که در غیاب رهبری جنبش دموکراتیک مردم ایران در نتیجه سرکوب‌های بی‌امان رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی و با دسیسه‌های امپریالیست‌های اروپایی و آمریکایی به منظور جلوگیری از رشد و تکامل و به ثمررسیدن انقلاب سال ۵۷ به قدرت رسیده بود، اینک در حال فروپاشی و سرنگونی است.

شرایط بحرانی و موقعیت انقلابی کشور و آغاز اعتراضات و تحصن‌ها و شورش‌های خودانگیخته کارگران و زحمتکشان و دانشجویان مبارز و انقلابی، تمامی جریانات سیاسی و مترقی و روشنفکران انقلابی و ملی میهن را بر آن می‌دارد که با عزمی استوارتر بر فشردگی صفوف خود پرداخته و با اتحاد و ائتلاف گسترده‌تر در راه پیروزی انقلابی نوین گام بردارند، تا بار دیگر تجربه تلخ انقلاب ۵۷ تکرار نگشته و سرنوشت مردم به چنگ نیروهای نامردمی نیفتد. از این رو ما اعضاء و هواداران سازمان‌ها و جریانات مختلف سیاسی و مترقی داخل کشور، که عمیقا در جریان تحولات میهن خود قرار داریم، با درک موقعیت انقلابی و وظیفه‌ای که در راه آزادی مردم جامعه خود احساس می‌کنیم، با توجه به تحولات بخش خارج کشوری سازمان‌های خود، ضمن انتقاد از انشعابات قابل اجتناب و زودرس همه سازمان‌ها و احزاب از بدو انقلاب تاکنون و عدم پیشرفت موثر در اتحاد مجدد آن‌ها و با توجه به تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و شرایط ویژه ملی اقدام به تشکیل «جبهه آزادی ایران» نمودیم تا با وحدت عمل در راه آزادی و استقلال میهن‌گام برداریم. ما در این راه دوشادوش کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی و آزادی‌خواهان ملی در پیشبرد روش‌های مسالمت‌آمیز مبارزه پای می‌فشاریم و خواهیم کوشید. اما دیگر روش‌های مبارزاتی را در کسب دموکراسی مردود ندانسته و آن را حق مردم شکنجه‌دیده و سرکوب‌شده خود می‌دانیم.

ما به شیوه مبارزات آزادیخواهانه مستقل و ملی پای‌بند بوده و هرگونه وابستگی و اتکا به کشورهای بیگانه را مردود می‌دانیم، هر چند که تفاهم بین‌المللی و روابط متعارف بین کشورها در چارچوب منافع ملی برای صلح جهانی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از اصول ما می‌باشد و هرگونه دخالت نظامی دیگران را نیز در کسب آزادی واقعی ملت تحت ستم خود نه تنها مضر بلکه شیوه‌ای نوین در استثمار و استعمار مکرر میهن خود می‌دانیم.

ما شهدا و مجروحین جنگ تحمیلی توسط حکام ایران و عراق بر مردم خود را آسیب‌دیدگان ملی دانسته و معتقدیم که ستم دوگانه بر آنان بایستی جبران شود و هرگونه سوءاستفاده جمهوری اسلامی از آنان را محکوم می‌کنیم.

ما دست اتحاد و ائتلاف به سوی همه احزاب، سازمان‌ها و جریانات سیاسی و نیروهای آزادی‌خواه و ملی دراز کرده و صمیمانه دست آن‌ها را می‌فشاریم تا با هم ایرانی آزاد و آباد را بسازیم. ایرانی که بتواند در برقراری زندگی بهتر و صلح جهانی نقش ارزنده خود را ایفا نماید.

جهان امروز شاهد پیدایش یک جبهه و قطب قدرتمند صلح جهانی است که همه ملت‌ها از همه کشورها سازنده آنند و این جبهه بزرگ‌ترین بازیگر در پیروزی ما خواهد بود.

ما بار دیگر به همه آنانی که هنوز توهماتی در اصلاح‌طلبی حکومت دارند هشدار می‌دهیم رژیم جمهوری اسلامی هرگز گامی موثر در راه اصلاحات برنداشته و اصولا قادر نخواهد بود کوچکترین تغییری در اصول اسلامی خودساخته‌اش ایجاد نماید چرا کمترین تغییر موجب سقوط آن خواهد شد. نتیجه انتخابات اخیر شورای شهر در کشور گواهی بر طرد کامل رژیم توسط مردم دارد، مردمی که به طور قطع راه خود را انتخاب نموده‌اند و آن جز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست.

اصول مورد پذیرش در تشکیل «جبهه آزادی ایران»:

۱ – حکومت آینده بر اساس رای مستقیم مردم شکل خواهد گرفت و محتوای آن صرفا دموکراتیک خواهد بود. هرگونه حکومت موروثی و ولائی چه از نوع قفاهتی و چه از نوع شاهنشاهی که مغایر با اصول آزادی‌خواهی مردود می‌باشد.

۲ – اجرای کامل قوانین و منشور حقوق بشر و اعمال واقعی تساوی حقوق زن و مرد و همچنین لغو اجرای حکم اعدام.

۳ – برخورداری مناسب همه مردم از ثروت ملی و عدالت اجتماعی و ایجاد زمینه مناسب و رقابت برابر در تحصیل، زندگی و شئونات اجتماعی.

۴ – آزادی کامل همه اقشار جامعه در بیان، ایجاد تشکل‌ها، سندیکاها و اتحادیه‌ها... و احزاب و حق اعتصاب.

۵ – احترام به تمامیت ارضی کشور و رعایت کامل حقوق خلق‌های ایران.

۶ – برچیده‌شدن همه سلاح‌های کشتار جمعی در سطح جهان و منع ساخت و استفاده از آن‌ها توسط ایران.

۷ – زمین متعلق به همه موجودات آن است بنابراین باید در حفظ آن و محیط زیست خود مجدانه بکوشیم.

گروهی از اعضا و هواداران سازمان‌های فدائیان خلق (اکثریت و اقلیت)، حزب توده ایران، راه کارگر، نیروهای ملی و مجاهدین خلق

دکتر عبدالکریم لاهیجی مشاور حقوقی استفان هاشمی فرزند زهرا کاظمی:

با یک جنایت بین‌المللی روبرو هستیم

دکتر عبدالکریم لاهیجی مشاور حقوقی استفان هاشمی فرزند خانم زهرا کاظمی روز گذشته به رادیو فردا گفت: ما از ابتدا هم بنا بر شواهد می‌دانستیم که مرگ بر اثر ضربه مغزی ایجاد شده است. به لحاظ اینکه خانم زهرا کاظمی به دستور دادستان تهران، یعنی سعید مرتضوی توسط کماندوهای لباس شخصی او جلو زندان اوین دستگیر شده، این جرم مشهود بوده، و این موضوع به تایید کمیسیون حقوق بشر اسلامی رسیده، ما اظهارات رئیس این کمیسیون را داریم که به صراحت می‌گوید که هرگونه اقدام برای بازداشت این خانم به نظر دادستان عمومی و انقلاب تهران بوده است. از سویی دیگر اگر به اظهارات آقای محسن میردامادی که آن هم دو روز پیش اظهار شده مراجعه کنیم، می‌بینیم که آن جا هم او می‌گوید که خانم زهرا کاظمی سه، چهار روز در اختیار هیئت بازجویان دادسرای تهران، دادسرای انقلاب، و قوه قضائیه بوده و بعدا تحویل وزارت اطلاعات شده و همان روز یا فردای آن روز به حال کُما رفته و در بیمارستان بستری شده. در بیمارستان هم بنا به شکایت مادر خانم زهرا کاظمی همین کمیسیون حقوق بشر اسلامی از خانم زهرا کاظمی عیادت کرده‌اند و همان موقع هم گفتند که امیدی به زنده‌ماندن این خانم نیست. بنابراین معلوم است که ضربه مغزی بر اثر کتکهایی که خورده و شکنجه‌هایی که شده وارد آمده و این هم به مرور بوده، چون با یک ضربه نبوده که خانم زهرا کاظمی فورا به کُما رود. یعنی در فاصله‌ای که او دستگیر شده تا روزی که به کُما رفته و در بیمارستان بستری شده ۴ تا ۶ روز فاصله بوده است. بنابراین مسلم است که تا یک مدت که در زندان بوده، زیر بازجویی بوده و به کرات و به دفعات شکنجه شده، با او بدرفتاری شده، و کتک خورده. در عهدنامه بین‌المللی ضد شکنجه این مسایل از مصادیق شکنجه است و در عهدنامه تشکیل دادگاه جزائی بین‌المللی شکنجه به عنوان یک جنایت بین‌المللی است. بنابراین ما مواجه با یک جنایت بین‌المللی هستیم که توسط ماموران جمهوری اسلامی و زیر نظر سعید مرتضوی، دادستان تهران صورت گرفته و بنابراین موضوع از یک جرم عمومی خارج می‌شود و می‌بینیم که الان یک بعد بین‌المللی در چهارچوب مقررات حقوق جزای بین‌الملل پیدا می‌کند.

عبدالکریم لاهیجی در ادامه این گفتگو در باره اقدامات خود گفت: من در حال حاضر سمت مشاور حقوقی آقای استفان هاشمی را دارم. در وحله اول به او توصیه کردم که در کانادا یک وکیل کانادایی بگیرد، به لحاظ اینکه طرف گفتگوی استفان هاشمی دولت کانادا است. این دولت کانادا است که باید از یک شهروند خود حمایت کند. این دولت کانادا است که باید خواستار تعقیب و مجازات آمران و عاملان این جنایت که بعد بین‌المللی هم دارد، بشود با توجه به اینکه صلاحیت مراجع بین‌المللی وقتی محقق می‌شود که مراجع ملی کشوری که جرم در آن واقع شده وارد عمل نشوند، بنابراین ما منتظر این تحقیقات می‌شویم که ببینیم آیا طی روزهای آینده مشخص می‌شود که چه کسانی دست به این جنایت زده‌اند و صرف نظر از دولت آقای خاتمی مجموعه حکومت ایران و از جمله قوه قضائیه چه اقداماتی برای تعقیب و مجازات عاملان این جنایت خواهد کرد. در غیر این صورت در آن زمان است که ما به عنوان مدافعان حقوق بشر و نمایندگان سازمانهای ملی و بین‌المللی حقوق بشر دست به‌کار خواهیم شد و به دادگاه لاهه شکایت خواهیم برد.

فشار برای اعتراف به تحریکات

گفته می‌شود رضا علیجانی، تقی رحمانی، هدی صابر و طیرانی بشدت زیر شکنجه قرار دارند تا شاید بتوانند از آنها اقرار بگیرند که در تحریک دانشجویان نقش مهمی داشتند. قاضی مرتضوی در بازجویی ها از دانشجویان خواسته اگر می‌خواهید آزاد شوید باید علیه این چهار نفر صحبت کنید و بگویید که اینها در تحریک شما نقش مهمی داشتند.

بعضی از دانشجویان حتی این چهار نفر را هم نمی شناختند.! به گفته بعضی از دانشجویان آزاد شده: بازجوها در بازجویی از آنها می‌پرسیدند که رضا علیجانی، تقی رحمانی و هدی صابر چه نقشی در تحریک شما داشتند؟ اگر می خواهید راحت از این جا بیرون بروید علیه این چهار نفر بنویسید و نقش مهم آنها را در تحریک خودتان عنوان کنید!

پیام ناصر زرافشان به باشگاه روزنامه‌نگاران کانادا

دوستان و یاران هم‌قلم

از راه دور، از خاورمیانه پر آشوب، و از پشت دیوارهای زندان، درودهای گرم من و هم‌بندان مرا بپذیرید. گر چه ممکن است ما یک یک شما را به طور شخصی نشناسیم اما چیزی بسیار کهن و ریشه‌دار به قدمت عشق انسان به آزادی، و نفرت او از جهل و بردگی ما را به عنوان قبیله‌ای بزرگ و واحد به یکدیگر مربوط می‌سازد.

ما در این منطقه جهان از لحاظ تاریخی یک دور شوم پس‌رفت ضد دمکراتیک را طی می‌کنیم که در جریان آن به دلیل شکست الگوهای سیاسی متداول پس از جنگ در تامین و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی، از نوع برخی از جنبش‌های منسوخ قدیمی مانند بنیادگرایی مذهبی، قوم‌گرایی، منطقه‌گرایی و سایر نگرش‌های تفرقه‌آمیز قومی و نژادی جان گرفته و در قالب نوعی واکنش سیاسی در برابر الگوی نولیبرالی جهانی‌شدن و آثار و نتایج آن می‌کوشند با توسل به مذهب، قومیت یا نژاد، هویت مستقلی دست و پا کنند. اما آشکار است در جهانی که چنین شتابان در حال دگرگونی است و حتی آخرین نسخه های نولیبرال هم با چنین سرعتی در آن به بحران و بن‌بست می رسد جایی برای ذهنیات واپس‌مانده فئودالی وجود ندارد و به یقین این پس‌رفت ضد دموکراتیک هم که طی آن جامعه ما برخی دیون معوقه خود را به تاریخ می‌پردازد دیری نخواهد پایید.

جهان در کلیت خود به افقی چشم دوخته است که در آن از جهل، تعصب و استثمار اثری باقی نباشد و نسل قلم پیشگامان بشریت در راه رسیدن به این آینده‌اند.

در این راه من و هم‌بندانم برای شما از بن جان آرزوی پیروزی می‌کنیم.

بسیاری در مجلس هفتم جا ندارند

موحدی کرمانی نماینده ولی‌فقیه در سپاه گفت: اگر شورای نگهبان نظارت خود را درباره بسیاری از نمایندگان مجلس اجرا کند، آنان جایی در مجلس هفتم ندارند. برخی از نمایندگان با عملکرد خویش به خون شهدا خیانت و با نامه‌های خود قلب رهبر را جریحه‌دار کردند. انتقادهای اخیر محافل داخلی به شورای نگهبان نقشه‌ای برای تضعیف ولایت فقیه است که این نقشه محکوم به شکست است.

اعدامش واجب است!

امام‌جمعه رفسنجان گفت: هرکس بخواهد شورای نگهبان را تضعیف کند اعدامش واجب است. مردم به قانون اساسی رای داده و منتظرند که قانون اساسی کامل اجرا شود، بنابراین کسی حق مخالفت با شورای نگهبان را ندارد. امام راحل اعضای شورای نگهبان را کارشناسان اسلام ناب محمدی نامیدند و فرمودند اگر شورای نگهبان ضعیف باشد نه مجلس مجلسی می‌شود و نه رئیس‌جمهور، رئیس‌جمهور.